

نوجوان آن روز در ماشین نبودند و روز بعد که من آن دو نوجوان را سوار ماشین کرده بودم به شدت استرس داشتم که مبادا دوباره این اتفاق تکرار شود. استرس این مسئله آنقدر زیاد بود که در روز به خاطرش با قرص تیش قلب خود را کنترل می‌کردم و خوشبختانه این ماشین بعداً سر ضبط سریال «عقرب عاشق» منفجر و منهدم شد. دو سه روز هم کولاک بود و مادر راه ماندیم. اوضاع بسیار سخت بود دمای هوا منفی بیست و سه را زد و برهنه بودن در چنین فضای سرد و سختی مشقت‌بار بود.

سخن پایانی

آقای باقری کتابی به نام درس‌های یک بازیگر نوشته‌م‌ایکل کین که عنوان اصلیش بازیگری سینما است را به من پیشنهاد دادند و گفتند این کتاب را اگر در روز می‌خوانی که هیچ‌اگر نه که نخوان. من این کتاب را به همه کسانی که دوست دارند در عرصه سینما فعالیت کنند پیشنهاد می‌کنم چرا که اساساً در مورد دیسپلین و رفتارشناسی بازیگر در طول پروژه یک فیلم سینمایی است. فکر می‌کنم که هر بازیگری موظف است که این کتاب را بخواند و دوست دارم من هم این پیشنهاد مفید را به باقی دوستان علاقه‌مند به این عرصه بدهم.

رضا محقق

سینما با روح و روانم بسیار عجین است

چه مولفه‌ای در فیلمنامه «آه سرد» بود که شما تهیه آن را بر عهده گرفتید؟

نگاه کلی اثر، روایتی که داشت و با توجه به نوع قصه‌اش که توانستم با آن کنار بیایم تهیه این کار را بر عهده گرفتم. بیابانی و سرد بودن این اثر برایم بسیار جالب و جذاب بود و این عطشی که سرانجام به عذاب وجدان ختم می‌شود. اینکه ما می‌توانیم در بسیاری از موارد گذشت داشته باشیم و این شیرین‌ترین بخش زندگی هر انسانی است.

این نوع فیلم‌ها بازگشت سرما به محدودی دارند چالش تهیه‌کنندگان در این زمینه چیست؟

اولین چالشم بخش جذب سرمایه و تهیه سرمایه بود که بخش سختی از پروژه است. کل اثر کار سختی بود چرا که در فصل سرما و در جاده‌ها و در مکان‌های سخت و صعب‌العبور باید ساخته می‌شد و این علاوه بر بخش مالی داستان در بخش تولید فشار زیادی را به گروه تولید می‌آورد. خیلی نگران اوضاع جسمی دوستان و شرایط کار بودم. جوری بود که یک شب برای یکی از ساکنان‌های ما راهداری ورود کرد تا توانستند بچه‌ها را از برف نجات بدهند و به خوابگاه برسانند که این به خاطر شدت برف بود.

باز خورد مخاطب را در جشنواره و این روزهای اکران چطور ارزیابی می‌کنید؟

از بازخورد مخاطبان در جشنواره خیلی راضی بودم واقعاً خوب بود. کارگردان کار اولی بود و مورد اقبال قرار گرفت و توانست سیم‌رغ بخش بین‌الملل را دریافت کند. بالاخره هر فیلمی هم یک سری موافق و یک سری منتقد دارد اما فعلاً بازخورد خاصی از مخاطبان در اکران عمومی ندارم. البته در اکران ویژه‌ای که داشتیم و دوستانی تشریف آورده بودند به نظر می‌آمد که اکثر کار را دوست داشتند و مورد پسندشان واقع شده بود.

سینما و فرهنگ از چه منظری برای رضا محقق مهم است؟

در وهله اول سینما را خیلی دوست دارم و بسیار به آن علاقه‌مندم. شرایطی است که با روح و روانم بسیار عجین است. یکی از دغدغه‌های اصلیم این است که ما فیلم خوب بسازیم، فیلم درست چرا که سینمای ما در جهان سینمای شناخته شده‌ای است و خیلی قبولش دارند. من در فستیوال‌های زیادی شرکت کردم و این را دیدم که سینمای ما را به نام چند سینماگر بزرگ از کشورمان می‌شناسند. دغدغه من تولید اثر و کار خوب است و کمک به فیلم‌های اولی‌هایی که می‌خواهند وارد سینما بشوند و مهمترین این است که نفس ما با سینما زنده است.

سخن پایانی

مجموعه صبا مجموعه‌های حرفه‌ای است که خارج از هر بحث و جناح سیاسی مسائل اصلی سینما را دنبال می‌کند و در بخش آگاهی‌رسانی به شدت به سینما کمک می‌کند و جای تشکر دارد. مجموعه صبا همیشه در کنار اهالی هنر و فرهنگ هستند بالاخص سینما و قطعاً این کمک بزرگی برای سینماست، چه بسا که تاکنون هم همین‌گونه بوده امیدوارم که همیشه صبا سینمای ایران باشد و سینمای ایران اخبار درخشش خود را بتواند همیشه با صبا سینمای ایران دنبال کند.

هنرهای زیبا دنبال کردم و مقطع ارشد را نیز در زمینه کارگردانی تئاتر به اتمام رساندم. دو فیلم کوتاه در این میان ساختم و پنج نمایشنامه نوشتم که از بین آنها نمایشنامه‌های پرهام، چند عکس از جنگ و نمایشنامه دم در جوایزی از جشنواره‌ها کسب کردند. در عرصه بازیگری موفق شدم جایزه اول بازیگری از جشنواره دانشگاه هنر بگیرم، با آثار تئاتری متعددی همکاری کردم و خوب من فیلم کوتاه کار می‌کردم و ده سال در زمینه تدوین و دو سال هم در زمینه صداگذاری فعالیت کردم. این فیلم اولین فیلم بلندی است که نقش محوری آن را بر عهده داشتم. قبل از آن در زمینه کار تصویر در آثاری مانند «هیولا» ساخته مهران مدیری، سریال «قبله عالم» و چند اثر دیگر تجاربی داشتم. خانم صدیق از روی آثار تئاتری که من در آن بازی می‌کردم برای این نقش مرا انتخاب کردند اثری از مری جونز بود که من در آن ۸ نقش را بازی می‌کردم به نظرم بازی در آن نمایش باعث شد تا ایشان بیشتر در زمینه انتخاب من مصمم شوند.

برای رسیدن به نقش از چه متدی استفاده کردید؟

اگر فرض کنیم تکنیک متد اکتینگ یعنی من حس کنم که خود بها هستم و نقش بها را زندگی کنم پس متد نزدیک شدن به نقشم این بوده، من برای اینکه خود بها باشم کارهایی کردم برای اینکه بتوانم به این خشونت نزدیک شوم. من فضای سکوت و انزوا را رعایت می‌کردم در همه روزهای فیلمبرداری چه قبل و چه بعد از لحظات فیلمبرداری در هتل، مسییر، فاصله بین رکوردها و پلان‌ها. در هر شرایطی و هر اتفاقی که می‌افتاد، اگر گروه نیم یا یک ساعت مثلاً آف می‌شد من از گروه فاصله می‌گرفتم یا در ماشین و مینی‌بوس گوشه‌ای می‌نشستم و از دور گروه را رصد می‌کردم تا در هیچ فضای شوخی و یا گفت و گویی قرار نگیرم. بیست و شش روز موبایل نداشتم و هیچ ارتباطی با هیچکس برقرار نکردم، حتی یک پیامک هم ندادم، خیلی کم صحبت می‌کردم چون اساساً کاراکتر کم صحبت می‌کرد در صورتی که خودم آدم بسیار پر حرفی هستم. طبق تکنیک من از تجربیاتم استفاده و در برخی از صحنه‌ها به آنها رجوع می‌کردم کمی تغییرشان می‌دادم و دوباره بازسازی‌شان می‌کردم. من و آقای باقری با هم قرار گذاشته بودیم از لحظه‌ای که سوار ماشین می‌شویم و به محل فیلمبرداری می‌رویم تا پایان فیلمبرداری هیچ صحبتی با هم نداشته باشیم، همینطور زیاد به هم نگاه نکنیم و این به من کمک می‌کرد که ارتباط با آقای باقری در صحنه برایم باورپذیر باشد.

تجربه همکاری با خانوم صدیق چگونه بود؟

تجربه کار با خانم صدیق بسیار لذت بخش بود. نه به خاطر اینکه ایشان از نزدیکان من هستند. با ایشان همکاری‌های متعددی داشتم. خانم صدیق انسان آرامی هستند و به گروه فرصت می‌دهند. ایشان به شدت روی دکوپاژ مسلط بودند ما قبل از اینکه سر صحنه فیلمبرداری برسیم دقیق می‌دانستیم که چه صحنه‌ای قرار است کار شود و دکوپاژ را دقیق به ما توضیح می‌دادند. نکته جذاب دیگر این بود که وجود افراد با تجربه مثل آقای بهرامی و آقای امینی تیرانی فیلمبردار کار و خود خانم صدیق باعث می‌شد که من به راحتی خود را به گروه بسپارم چرا که مطمئن بودم آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند به نفع فیلم است. بازی‌های در سکوت و انتخاب ری اکشن‌های درست را خانم صدیق انجام می‌دادند و ما به انتخاب ایشان عمل می‌کردیم و تمرین‌های با دیالوگی که با آقای باقری بود یک‌الی دو بار تمرین می‌کردیم و شاید باورتان نشود که در همان تعداد کم هم صفحه دیالوگی که به من می‌دادند با کمی تغییر همراه بود و آن چیزی نبود که شب گذشته‌اش حفظ کرده بودم. ایشان به نوعی از بازیگری بداهه تکیه داشتند و این بخشی از فیلم «آه سرد» بود که به ما سپردند اینکه ما تا آخرین لحظه قابلیت این را داشته باشیم که تغییر پذیر باشیم و جزئیات را تغییر دهیم و صرفاً آنچه که در فیلمنامه نوشته است حفظ نکرده باشیم و ما روز به روز با متن فیلمنامه مواجه می‌شدیم.

در مورد این بداهه بودن بگویید.

حقیقت این است که پایان نامه ارشد من در مورد هدایت بازیگر بر اساس انواع بداهه کوتاه، بلند و طرح بنیاد بود که بر اساس نظریه خانم جین لیب است. یعنی بداهه در لحظه، بداهه‌ای که هر لحظه می‌توان تغییرش داد. اگر بخواهم به نمونه‌های سینمایی‌اش اشاره کنم مثلاً آقای کیارستمی اگر دوربین‌شان روی نابازیگر است و بخواهند این پلان را دوباره بگیرند چه چیز را اضافه و چه چیز را کم می‌کنند و تغییر می‌دهند.

فیلمبرداری در لوکیشن‌های سخت چه چالش‌هایی داشت؟

شرایط خیلی سخت بود ماشین ما یک بار فرمان برید و آن دو

رابطه جذابی به نظر می‌رسید بر همین اساس به ذهنم رسید که رابطه پدری که مجرم است و فرزندش که بعد از سال‌ها به نوعی برای استقبال از او می‌رود چگونه می‌تواند باشد. در واقع برای اینکه به مسئله اصلی فیلم برسیم این ارتباط و نقطه شروع یک ارتباط بعد از سال‌ها بین یک پدر و پسر را انتخاب کردم.

از همکاری با آقای محقق در زمینه تهیه بگویید.

چندین سال است که آقای محقق را به عنوان تهیه‌کننده‌ای که دغدغه ساخت فیلم‌های به نوعی غیر تجاری و یا نوع خاصی از سینما دارند می‌شناسم. آقای محقق و آقای احمدبهرامی که همسر من هستند برای ساخت فیلم «شهر خاموش» یک همکاری را آغاز کردند و در پروسه پیش تولید این فیلم من با آقای محقق آشنا شدم که البته همان موقع من و آقای بهرامی استارت پیش تولید «آه سرد» را با یک بودجه بسیار محدود و به نوعی خانوادگی زده بودیم و بعد از آشنایی با آقای محقق ایشان در جریان فیلمنامه قرار گرفتند و روی خوش نشان داده و ابراز تمایل کردند و حتی به خاطر اینکه ما نیاز به فصل زمستان داشتیم این شرایط پیش آمد که فیلم «آه سرد» زودتر از فیلم «شهر خاموش» ساخته شد و با فاصله چند روز شهر خاموش ساخته شد.

روند انتخاب بازیگر برای این پروژه چگونه بود؟

من از آقای علی باقری شناخت داشتم و قبل از «آه سرد» سر پروژه «دشت خاموش» تجربه همکاری با ایشان را داشتم. آقای باقری چهره شناخته شده‌ای در تئاتر هستند و همینطور چهره شناخته شده‌ای در نوع خاصی از سینما و تاثیر حضور ایشان هم در فیلم کاملاً مشخص است. آقای ایمان صدیق هم که در زمینه تئاتر و سینما تحصیلات آکادمیک دارند و سال‌هاست که فعالیت تئاتری و سینمایی دارند و من به جهت ارتباط خانوادگی کاملاً در جریان کار و توانمندی‌های ایشان بودم.

در مورد نبود زن در کل اثر و فضایی که از این طریق می‌سازید بگویید.

جهان فیلم جهان بدون زن است. شاید تمعد و تاکیدگذاری بر این نکته بود که جهانی که در آن زن حذف شود جهانی سرد، بی‌روح و خالی از لطافت و حتی جهانی خشن خواهد بود.

در مورد لوکیشن‌ها و شرایط تصویربرداری اثر بگویید.

من تا قبل از اینکه چنین تجربه‌ای داشته باشم همیشه می‌گفتم که فیلمساز اصلاً نباید راجع به این مسائل صحبت کند چرا که این سختی‌ها بخشی از پروسه کاری اوست. ولی واقعیت این است که در تجربه این اثر من به این نتیجه رسیدم که سختی‌های کار و شرایط جغرافیایی تاثیر بسیار زیادی بر فیلم خواهد داشت و اکثر مسائل بدی را به فیلم تحمیل می‌کند. مثلاً اکثر پلان‌های مان به خاطر شرایط تک برداشتی یا نهایت دو برداشتی بود و این به هر حال در فیلم تاثیر می‌گذارد.

آیا آه سرد را یک فیلم هنری می‌دانید؟

برای این منظور اول باید ببینیم تعریف ما از فیلم هنری چیست؟ من فکر می‌کنم به ازای هر فردی تعریفی برای این مسئله وجود دارد. من فیلم خود را فیلمی می‌دانم برای مخاطب خاص. فیلمی که هدفش جذب مخاطب حداکثری یا حتی نیم‌نگاهی و نگاهی به گیشه نبوده، در واقع فیلم‌هایی از این دست تلاش می‌کنند با یک بیان هنری یک معضل اجتماعی و مسئله اجتماعی را مطرح کنند و به آن بپردازند. این نوع سینما متعهد و دغدغه‌مند است. مسلماً ایده‌آل من هم این است که به سینمایی دست پیدا کنم که هم حرف جدی برای گفتن داشته باشد و هم بیان هنری، همینطور به مخاطب حداکثری دست پیدا کند ولی به هر حال این نوع از فیلم‌ها برای مخاطب خاص ساخته می‌شوند. مخاطبی که حوصله و صبر بیشتری دارد برای دیدن فیلمی که می‌خواهد مسئله و یا دغدغه‌ای را مطرح کند.

سخن پایانی

من چند نشریه تخصصی را دنبال می‌کنم و فکر می‌کنم که نشریه صبا که بخش تخصصی سینما دارد خیلی کمک حال سینماگران است و می‌تواند انعکاس دهنده حرف‌هایی باشد که خیلی جاها فضایی برای گفتش نیست.

ایمان صدیق

۲۶ روز حتی یک پیامک هم ندادم

کمی در مورد خودتان و ورودتان به عرصه هنر بگویید.

من در دوره هنرستان عکاسی خواندم و بعد رشته تئاتر را در پردیس